



حزب همبستگی فشارهای دولت پوشالی را با تشدید فعالیت‌هایش پاسخ خواهد داد!

شش عضو «حزب همبستگی افغانستان» از طرف «خاد» کرسی
دستگیر و زندانی شدند

«حزب همبستگی افغانستان» در ۱۰ قوس ۱۳۹۰ (اول دسامبر ۲۰۱۱) بخاطر تقبیح فروش وطن ما زیر نام امضای قرارداد استراتژیک با امریکا از طریق لویه جرگه مسخره، تظاهراتی با شرکت بیش از یک‌هزار تن از ملیت‌های مختلف را در شهر کابل به راه انداخت. اکثر رسانه‌های داخلی و خارجی مقیم کابل از آغاز تا ختم تظاهرات حضور داشتند؛ مصاحبه‌های بیشماری با سخنگوی حزب و اشتراک‌کنندگان تظاهرات انجام دادند؛ هزاران قطعه فراخوان چند روز قبل از تظاهرات در شهر کابل وسیعاً پخش گردیده بود. اعضا و هواداران حزب ما در روزهای قبل از تظاهرات اعلامیه حزب تحت عنوان «لویه جرگه امریکایی ننگ تاریخی دیگری را رقم زد!» را در کابل و چندین شهر دیگر وسیعاً پخش کردند که با استقبال وسیع مردم مواجه گشت و تلفن‌های همبستگی بیشماری دریافت کردیم.

تظاهرات حزب ما دولت پوشالی و اربابانش را پریشان ساخت بنا فوری علیه ما با دو حربه متفاوت دست به کار شدند. امنیت ناملی به پیگرد و دستگیری فعالین حزب ما آغاز کرد و به مطبوعات داخلی و خارجی دستور داد تا از انتشار خبر تظاهرات حزب امتناع ورزند و به همین علت هیچیک از بیشمار رسانه‌ها خبر اکیسون ما را انعکاس ندادند.

اینان تنها به سوت‌آژ خبری تظاهرات «حزب همبستگی» اکتفا نکرده، به تمامی نیروهای امنیتی حکم دادند که پخش‌کنندگان اعلامیه حزب را دستگیر نمایند. امنیت ناملی دو تن از اعضای حزب را در کابل و یک تن را در هرات دستگیر و مورد بازجویی قرار دادند. جرم آنان پخش اعلامیه حزب بود، اعلامیه‌ای که عقد قرارداد بردگی و غلامی به ارباب شانرا شدیداً محکوم می‌نمود. این سه تن توأم با شکنجه و لت و کوب و توهین مورد استنطاق قرار گرفتند و چند روزی را در بند گذشتاندند. قبلاً طی تظاهراتی در تقبیح روزهای سیاه ۷ و ۸ ثور سال جاری نیز سه تن از اعضای حزب ما را به جرم تظاهرات و پخش اعلامیه بازداشت کرده بودند. بعلت مواضع غیرسازشکارانه و فعالیت‌های روشنگرانه، فعالین و اعضای «حزب همبستگی افغانستان» همیشه تحت پیگرد «خاد» کرسی قرار دارند اما این فشارها نخواهد توانست که ما را از ادامه مبارزه برای استقلال، دموکراسی و عدالت باز دارد.

«حزب همبستگی افغانستان» با شناختی که از ماهیت اشغالگران و دولت شان دارد، از این قید و بندها و سانسورشدنش بوسیله مطبوعات آلوده شکوه‌ای ندارد. ما میدانیم که دموکراسی اهدایی امریکا تنها برای آدمکشان و بیگانه‌پرستان است و در همان حدی تحمل و برداشت دارد که به شاخ و پنجه بپردازی و نه به ریشه‌قضا. و وقتی فرد یا گروهی بخواهد ماهیت پلید تجاوزگران و چاکران‌شان را افشا نماید و از قبول یوغ بردگی امتناع ورزد، دیگر آن دموکراسی جایش را به فاشیزم و «آزادی مطبوعات» جایش را به سانسور و دروغ پراکنی میسپارد.

همانگونه که مستبدترین رژیم‌ها با پلیسی‌گری و بند و زندان موفق به خفه کردن همیشگی مبارزات آزادیخواهانه ملت‌ها نشده‌اند، دولت مافیایی و فاسد کرسی نیز نخواهد توانست که جلو مبارزه حزب همبستگی و مردم به جان رسیده ما را با سرکوب و بند و زندان بگیرد. اگر موج خیزش مردم را بخواهند با تهدید و زور مهار نمایند، نتیجه برعکس به بار آورده و آنچنانی که در کشورهای عربی شاهدیم، مردم مصمتمتر و پرخروش‌تر ندای آزادیخواهی را سرخواهند داد که دیگر دم و دستگاه حاکمه با تمام ساز و برگش قادر به خفه کردنش نخواهد بود.

حزب همبستگی افغانستان اولین نیروی سیاسی کشور است که با بازجویی و فشار دولت مافیایی کرسی مواجه میشود. بر تمامی عناصر و نیروهای مدافع آزادی و عدالت است که صدای شانرا بلند کرده این سیاست ضددموکراتیک و زورگویانه دولت را در نطفه خفه نمایند ورنه با تشدید مبارزه حق‌طلبانه و ضداستعماری ملت ما، خفقان دوران زمامداری میهنفروشان خلق و پرچم، جهادی‌های وحشی و طالبان قرون وسطایی یکبار دیگر بر ملت ما مستولی خواهد گشت.

امریکا برای در اسارت در آوردن ملت های جهان و خواباندن جنبش های آزادیخواهانه تنها به ماشین جنگی اش نه بلکه به جنگ تبلیغاتی نیز شدیداً اتکا دارد. از طریق مطبوعات مزدور و مافیایی ست که امریکا دروغ و ریا را به جای حقیقت می‌نشانند و توده های کشورهای مستعمره و مردم امریکا را با عوامفریبی به کجراه میکشاند. بعد از اشغال افغانستان، به اولین سلاح موثری که برای بردگی کشاندن عمیق‌تر ملت ما چنگ انداخت، رشد سمارق وار مطبوعات بود که امروز میدانیم ۸۰ فیصد مخارج ۲۵ شبکه‌ی تلویزیونی، ۹۰ شبکه‌ی رادیویی و تعداد بیشماری روزنامه، جریده و مجله و سایت در افغانستان رابه دلیلی می‌پردازد که اختیار کامل آنان را بدست داشته باشد تا در جهت سیاست امریکا حرکت نموده هر حادثه ولو مهم را اگر در تضاد با منافع آنان قرار گیرد با سکوت برگزار نمایند و یا رنگ و لعاب مسخ شده دهند. امریکا همه ساله دهها میلیون دالر را زیر نام «حمایت رسانه‌های افغانستان» تخصیص میدهد که عمدتاً برای دروغ پراکنی و سمت دهی افکار عامه به نفع امریکا به مصرف میرسد و سفارت امریکا در کابل با به کار گیری شیوه های مختلف وظیفه دارد تا نظارت و کنترل کاملی بر نبض پخش اطلاعات در کشور داشته باشد.

به علت همین سیاست است که افغانستان فقیر و گرسنه به جای نان و لباس به بیشمار رسانه های تبلیغاتی پر مصرف دست یافته است و گردانندگان اکثر این رسانه ها جنایتکاران و وطنفروشانان اند که لگام شان بدست امریکاست. امریکا تا دیروز به این خاینان ملی ما اسلحه میداد که قتل و غارتگری نموده وطن ما را بسوی نابودی بکشاند، اما امروز بدست اینان اسلحه برنده‌تری به نام مطبوعات را داده است تا برای خفه کردن فرهنگ ملی و انقلابی کشور، تحمیق و سرکوب غرور و اراده بیگانه‌پرستی مردم، خنثی و بی‌شهامت ساختن نسل جوان کشور، بی‌نیش و مزدور ساختن روشنفکران و ترویج فرهنگ ابتذال و غیر سیاسی ساختن سیستماتیک مردم استفاده نمایند و راه را برای غلامی ابدی ملت ما برای امریکا و متحدانش هموار سازند. با تمام این، لقب گول زنده «مطبوعات آزاد و بیطرف» را نیز به این بلندگوهای تبلیغاتی شان داده اند در حالیکه به هر فردی با حداقل آگاهی روشن است که در عمل در دنیای مطبوعات چیزی به نام «آزاد» و «بیطرف» وجود ندارد.

اما چرا حزب همبستگی افغانستان و سایر نیروهای مترقی که تا هنوز تفنگی هم به دست ندارند و فقط با شیوه های دموکراتیک به مبارزه مشغول اند مورد حمله دولت مزدور قرار میگیرند اما خطرناکترین باندهای بنیادگرایی مزدور ایران و پاکستان که با تفنگ و تروریزم خود مردم ما را به سیپهریزی می‌نشانند در قدرت سهم داده میشوند، به طالبان وحشی در قطر و ترکیه دفتر باز میشود، مطبوعات یکدست به بزرگسازای شان مشغول اند و امریکا نیز طی سی سال گذشته اینان را مورد حمایت بیدریغ قرار داده است؟ دلیل روشن است: این گروه های جهالت پیشه و خونخوار که مولودات امریکا اند، در برابر دالر و مقام به آسانی به آله‌دست امریکا و هر قدرت دیگری مبدل شده طبق خواست آنان حرکت میکنند و با تلاش بی‌پایان میکوشند ملت ما را در سیاهی، بیسوادی و ناآگاهی درآورد نگاهدارند. این چیز است که امریکا شدیداً به آن نیاز دارد چون سیاست های استعماری اش تنها بالای ملتی چشم و گوش بسته و فرو رفته در قعر جهالت میتواند موثر واقع شود و هر دروغ و نیرنگش را به خورد یکچنین ملتی دهد. ولی حزب همبستگی و دیگر عناصر و نیروهای مدافع استقلال و آزادی، به توده‌ها آگاهی میدهند، سلاحی برنده تر از کلاشنکوف که وقتی ملتی به آن مسلح شد دیگر هیچ نیروی شیطانی و زورگو قادر نخواهد بود آنها را برای همیشه در زنجیر غلامی اش اسیر نماید. اینست راز شمشیرکشی امریکا و دولت دست‌نشانده‌اش علیه عناصر آگاه و پیشرو.

ولی افغانستان تنها کشوری نیست که امریکا و غرب بازی مخدوش ساختن اذهان عامه را در آن به کار بسته است، اینان در برابر ملت های خود و سایر ملل فقیر جهان نیز از این نیرنگ سود فراوان میبرند. نوآم چامسکی متفکر بزرگ امریکایی، شعبده بازی های تبلیغاتی غرب را در مقاله‌ای تحت عنوان «ده روش برای اغوای مردم بواسطه رسانه های جمعی» دقیقاً فرمولبندی کرده از جمله مینویسد: «منحرف کردن مستمر اذهان عمومی جامعه از مشکلات اجتماعی موجود، پیوند دادن موضوع آنها با مسائل فاقد اهمیت واقعی، کوششی است در جهت آنکه مردم چنان مشغول باشند که وقتی برای اندیشیدن برای آنها باقی نماند.»

حزب همبستگی افغانستان

۲۳ قوس ۱۳۹۰ (۱۴ دسامبر ۲۰۱۱)